

مستشرقان و تمدن پزشکی مسلمانان*

غلامرضا نورمحمدی**

چکیده

تا کنون پژوهش جامعی درباره تمدن پزشکی مسلمانان و مستشرقان انجام نگردیده است، اما بسیاری از کتاب‌های طبی برای نخستین بار توسط مستشرقان چاپ شده است. آنان در جست‌وجوی نسخه‌های خطی کتاب‌های طبی در کشورهای مختلف جهان اسلام به دنبال یافتن کتاب‌های طبی بودند تا آنان را به ظاهر مورد تحقیق قرار دهند و پس از تحقیق جهت‌دار خویش، آنها را احیا و منتشر نمایند. بسیاری از مقدماتی که آنان به عنوان دیباچه یا معرفی اثر در ابتدای این کتاب‌ها آورده‌اند، خوانندگان را به سوی اهداف از پیش تعیین‌شده آنان سوق می‌دهد. می‌توان گفت انگیزه آنان در موضوعات طبی به ظاهر یک نوع تلاش علمی است، اما آنان با جهت‌گیری خاصی به احیای این کتاب‌ها روی آورده‌اند. در نوشتار حاضر، تمدن پزشکی مسلمانان و مستشرقان بر اساس فعالیت خاورشناسان و معرفی فعالان این حوزه، منابع تاریخ پزشکی و کتاب‌نگاری و بررسی کتاب‌های معتبر پزشکی مانند «قانون» بوعلی سینا به تفصیل ارائه می‌گردد.

کلید واژگان: قرآن، پزشکی، تمدن، مسلمانان، مستشرقان.

* . تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵
** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران: drnormohammadi@yahoo.com

مقدمه

با جستجو و کنکاش در موضوع تمدن پزشکی مسلمانان و مستشرقان که مدت زمان زیادی را می‌تواند به خود اختصاص دهد، یک نکته آشکار می‌گردد که این بخش افق جدیدی را می‌طلبد، ولی تا کنون مغفول واقع شده است. آنچه در این نوشتار ارائه می‌گردد، نمونه بسیار اندکی از گستره مطالعات تمدن پزشکی مسلمانان و مستشرقان در این افق جدید است که ضرورت یک پژوهش جامع را به نوبه خود اثبات می‌کند.

الف) بررسی تمدن پزشکی مسلمانان و مستشرقان بر اساس خاورشناسان

در حوزه ترجمه آثار پزشکی مسلمانان، افراد فراوانی فعالیت داشته‌اند که اهمیت کار آنان کم‌تر از سایر علوم مسلمانان نبوده است. آنچه در اینجا بیان می‌شود، تنها مربوط به دوران آغازین این نهضت در قرن یازدهم و اوج فعالیت آن در قرن دوازدهم میلادی است. نهضت ترجمه کمابیش تا قرن شانزدهم میلادی ادامه یافت، به خصوص در قرن‌های سیزدهم و چهاردهم که ترجمه آثار پزشکی در سطح وسیعی آغاز شد. با ظهور صنعت چاپ از قرن پانزدهم به بعد نیز کتاب‌های ترجمه‌شده دانشمندان مسلمان بارها منتشر گردید و به عنوان کتاب‌های درسی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی اروپا به کار گرفته شد. در ذیل، به معرفی خاورشناسانی می‌پردازیم که در این عرصه فعالیت داشته‌اند:

۱. کنستانتین افریقی (Constantin of Africa)

وی در تونس به دنیا آمد و تحصیلاتش را در شمال آفریقا آغاز کرد. او طی سفرهایش به عراق و سوریه با ابن‌بطلان،^[۱] طبیب مسلمان، دیدار کرد. سپس مدتی را به عنوان داروفروش در سیسیل گذراند و از آنجا به سالرنو سفر کرد و چون عقب‌ماندگی پزشکی هم‌کیشان خود را دید، به فکر آموختن طب به آنان افتاد. او برای تحصیل به مصر رفت و پس از چندی با انبوه تألیفات مسلمانان به سالرنو بازگشت و در آنجا به ترجمه این کتاب‌ها همت گماشت. وی در سال ۱۰۸۷م. درگذشت. بنابر این، طبیعی است ترجمه‌های کنستانتین بیشتر در زمینه طب بوده باشد و این به دلیل ارتباط او با مدرسه طب سالرنو بود.^[۲] ترجمه‌های فراوان او از عربی به عبری، تحوّل بزرگی در پزشکی اروپا پدید آورد. ظاهراً او به زبان لاتین تسلط نداشت و در تصحیح متون از شاگردش اوتو (Oto) کمک می‌گرفت،^[۳] گرچه سارتون او را نخستین مترجم بزرگ کتب عربی به لاتین می‌داند (سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ۱۳۸۴: ۱ / ۸۸۱).

مهم‌ترین آثار ترجمه‌ای او بخش بزرگی از کتاب «کامل الصناعه» یا «الطب الملكي» نوشته علی بن عباس اهوازی^[۴] است که به لاتین به نام «Regius Liber» شهرت یافت. ترجمه کتاب «الطب الملكي» که نخستین کتاب طب عمومی ترجمه شده بود، گشایشی در علوم پزشکی اروپا بود.

اما متأسفانه اولین ترجمه «کامل الصناعه» در قرن یازدهم میلادی که توسط کنستانتین افریقی انجام شد، با نوعی تحریف همراه بود؛ زیرا وی بدون ذکر نام اهوازی، کتاب را با نام «پانتگنی» به اسم خود نوشت. به همین دلیل بسیاری از عقاید اهوازی به نام اروپاییان ثبت شد. کنستانتین افریقی در ترجمه این کتاب همه نشانه‌هایی را که ممکن است نویسنده اصلی را بشناساند، از میان برد.

کتاب «زاد المسافر» از ابن جزّار و رساله «چشم‌پزشکی» از حنین بن اسحاق نیز توسط کنستانتین افریقی ترجمه شد. البته ترجمه کتاب‌های بسیاری از دانشمندان یونانی و مسلمان به وی منسوب است و شمار دقیق آنها معلوم نیست. ابتدا تصور می‌شد که در بین آثار وی نسخه‌هایی از تألیفات خود او نیز وجود دارد. این تصور ناشی از آن بود که او بیشتر ترجمه‌های خود را بدون ذکر نام مؤلف کتاب و حذف تمام نام‌های عربی (و آن چه احتمال داشت هویت کار او را مشخص سازد) از متن کتاب‌ها یا حتی با قرار دادن نام خود به جای نام مؤلف ارائه می‌کرد. او فقط برخی نوشته‌های بقراط و جالینوس را که ترجمه عربی آنها در آثار حنین بن اسحاق موجود بود، به نام خود معرفی نکرد. این مسئله زمانی آشکار شد که اصل عربی کتاب‌های مذکور پیدا شد. استفان لمباردی (Stephano) و دیمیتریوس سیسیلی (Demetrus de Sicilia) نخستین کسانی بودند که پی بردند او کتاب «شفاء العیون» از حنین بن اسحاق را تحت نام «DE OCLIS» و کتاب زادالمسافر از ابن جزّار را با عنوان «VITICUM» به خود نسبت داده است (هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ۱۳۶۱: ۱۶۰ / ۲). پس از چندی معلوم شد که او کتاب‌هایی از اسحاق اورانیوس را نیز به خود نسبت داده و کتاب جرّاحی او همان ترجمه کتاب علی بن عباس اهوازی و کتاب شیمی او متعلق به محمد بن زکریای رازی است! (برای آگاهی از آثار کنستانتین، ر.ک: لیندبرگ، سرآغازهای علم در غرب، ۱۳۷۳: ۴۳۵؛ سارتن، مقدمه‌ای بر تاریخ علم، ۱۳۸۳:

۲. استفان انطاکی (Stephano de Pizea)

استفان در شهر پیزای ایتالیا به دنیا آمد و در سالرنو به تحصیل پرداخت و پزشکی حاذق گردید. در حدود ۱۱۲۰م. به انطاکیه سفر کرد و ترجمه کتاب «الطب الملکی» از علی بن عباس اهوازی را که قسمت‌هایی از آن پیشتر توسط کنستانتین افریقی ترجمه شده بود، در سال ۱۱۲۷م. به اتمام رسانید. اهمیت کار استفان در افزودن واژه‌نامه‌ای یونانی - عربی - لاتینی در انتهای کتاب بود. او همچنین نسخه‌ای از کتاب «المأمونی فی الطب» را ترجمه کرد. جز این موارد، او کتاب‌های بسیار دیگری از عربی به لاتین ترجمه نمود (آلدومیه، علوم اسلامی و نقش آن در تحول جهان، ۱۳۷۲: ۴۹۱).

۳. ژرارد کرمونایی (Jerhard of Kerimona)

ژرارد در سال ۱۱۱۴م. در شهر کرمون ایتالیا به دنیا آمد. در جوانی به اندلس رفت و در شهر طلیطله اقامت گزید و در دارالترجمه آنجا به کار تحقیق و ترجمه کتاب‌های عربی مشغول شد. وی مدت زیادی از عمرش را در اسپانیا گذراند؛ از این‌رو، از بزرگ‌ترین مترجمان حوزه اسپانیا و شاید در تمام دوران به شمار می‌رفت. فعالیت او در اسپانیا تا ۱۱۸۷م. ادامه داشت. البته علاقه زیاد او به کتاب «المجسطی» او را به شهر طلیطله اسپانیا کشانید و چون در آنجا فراوانی آثار علمی مختلف به زبان عربی را مشاهده کرد، به آموختن زبان عربی و ترجمه آنها پرداخت. کلیه فعالیت‌های او و شاگردانش در طلیطله که بهترین مکان برای این کار بود، صورت گرفت.

ژرارد در شاخه‌های مختلف علوم کار کرد. وسعت کار او این توهّم را ایجاد کرد که او رهبری نهضت ترجمه در طلیطله را به عهده داشته است. آثار ترجمه‌ای او از عربی به لاتین شامل ۸۷ اثر است که شامل برخی کتاب‌های ارسطو و شاگردان او و دانشمندان مسلمان پیرو مکتب ارسطو و نیز برخی از ارزنده‌ترین آثار ریاضی، نجومی و فیزیک دانشمندان مسلمان می‌شود (سارتن، مقدمه‌ای بر تاریخ علم، ۱۳۸۳: ۱۴۶۳).

در زمینه طب، گذشته از آثار یونانیان، او مجموعه تألیفات رازی یعنی «الحاوی»^[۵] «طب المنصوری»، «من لایحضره الطیب» و «اوجاع المفاصل» و کتاب «التصریف» ابوالقاسم زهراوی، «قانون» ابن سینا و آثاری در داروشناسی از «یعقوب کندی، ابن‌وافد، ابن‌سرابیون و ابن‌ماسویه» را به لاتین برگرداند (راستن، مقدمه‌ای بر تاریخ علم، ۱۳۸۳: ۱۴۶۴).

۴. آگوست مولر / August Muller (۱۸۹۲ - ۱۸۴۸)، خاورشناس آلمانی

از برجسته‌ترین آثار مولر تصحیح و چاپ کتاب «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» ابن‌ابی‌اصیبعه است. وی در این راه کوشش بسیار و زمانی طولانی را صرف کرد و با یک کار تحقیقی بزرگ، کار تصحیح و مقابله نسخه‌ها و تصحیح نهایی آن را به انجام رسانید. او چاپ این کتاب را در قاهره به ناشری مصری سپرد. این ناشر، به امانت خیانت ورزید و کتاب را به هم ریخت و تمامی بخش تحقیقی را حذف کرد و تصحیح او را ضایع ساخت. این کار باعث خشم مولر شد و در مقدمه‌ای که به زبان عربی بر این چاپ نوشت، این ناشر را به دشنام‌گویی گرفت. آن‌گاه تصحیح جداگانه‌ای بر اساس پانزده نسخه خطی در دو جلد در سال‌های ۱۸۸۲-۱۸۸۴م. انجام داد و آن را در کونیگزبرگ آلمان (۱۸۸۴) منتشر کرد. مولر مقاله‌ای با عنوان «درباره متن کتاب تاریخ الاطباء ابن‌ابی‌اصیبعه و کاربردهای لغوی آن» نوشت. اروپاییان در پژوهش‌های خود در تاریخ پزشکی، بسیار بر آن تکیه کرده‌اند (بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ۱۳۷۵: ۳۹۹-۳۹۸).

۵. ماکس مایرهوف / Max Meyerhof (۱۹۴۵-۱۸۷۴م) خاورشناس و چشم‌پزشک مشهور آلمانی

ماکس مایرهوف از بزرگ‌ترین محققان در تاریخ طب و دارو در میان اعراب است. کتاب «العشر مقالات فی العین» حنین بن اسحاق با تحقیق و ترجمه ماکس مایرهوف در سال ۱۹۲۸م. در قاهره به منتشر شد (M. Meyerhof (ed.). The Book of the Ten Treatises (on the Eye ascribed to Hunayn ibn Ishaq. Cairo, 1928).

کتاب «شرح اسماء العقار» تألیف موسی بن عبیدالله اسرانیلی قرطبی معروف به ابن میمون از جمله آثار معروف در زمینه شناخت مفردات در طب سنتی است. مؤلف در مقدمه کتاب، انگیزه خود را از نگارش این اثر، شرح اسامی ادویه معروف مستعمل در صنعت طب دانسته است. این کتاب نیز به همت ماکس مایرهوف و بر اساس نسخه خطی‌ای که در کتابخانه استانبول بوده تصحیح و در سال ۱۹۴۰م. در قاهره منتشر شد. مایرهوف علاوه بر تصحیح این اثر، پانویسی، فهرست‌نویسی و ترجمه کتاب را به زبان فرانسه به انجام رسانید (قرطبی، شرح اسماء العقار، مصحح ماکس مایرهوف، ۱۳۸۶).

همچنین مقاله «رد موسی بن میمون القرطبی علی جالینوس فی الفلسفة و العلم الالهی» را مجله کلیة الاداب بالجامعه المصریه منتشر نمود بخشی از کتاب «الفصول» از ابن‌میمون

(Maimonides) که مربوط به رد او بر جالینوس بود، به انضمام ترجمه انگلیسی و مقدمه مایرهوف و ژوزف فرانتس ساخت^[۶] در مجله فوق چاپ شده است.

۶. سیریل لوید الگود (۱۸۹۲-۱۹۷۰ م) خاورشناس انگلیسی

سیریل لوید الگود پزشک انگلیسی است که تحصیلات پزشکی را در آکسفورد آموخت. وی از همان دوران تحصیلی، عشق و علاقه فراوانی به تاریخ ادبیات و شرق شناسی داشت او به سال ۱۳۰۵ ش. / ۱۹۲۶ م. به عنوان پزشک سفارت انگلیس به تهران آمد و تا ۱۳۱۰ ش. / ۱۹۳۱ م. در آنجا مشغول به کار بود. این اتفاق موقعیت مناسبی برای پرداختن به رشته مورد علاقه اش در اختیار وی گذاشت. پس از ورود به ایران بنا به توصیه ادوارد براون تصمیم گرفت، مطالعات و بررسی های خود را بر تاریخ پزشکی متمرکز کند؛ لذا به جمع آوری مدارک و کتاب های خطی در زمینه پزشکی ایران همت گمارد، به گونه ای که در سال ۱۳۱۷ ش. / ۱۹۳۸ م. که به استادی کالج سلطنتی لندن منصوب شد، گنجینه فوق العاده گران بهایی از کتاب های خطی و مدارک بی نظیر پزشکی ایران به همراه داشت که بسیاری از آنها در نوع خود منحصر به فرد به شمار می رفت.

الگود که در مجموع ده سال در ایران به سر برد، با دانشمندان و ادیبانی چون میرزا علی اصغر مؤدب نفیسی، عباس نفیسی، ابوالقاسم بدری، علی پرتو، سعید نفیسی، لسان الحکما شمس، محمود نجم آبادی و شماری دیگر آشنایی نزدیک حاصل کرد. الگود پس از رسیدن به استادی دانشگاه، یک بار دیگر به ایران و برخی از کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی مسافرت کرد. طی این مسافرت چند ساله، مطالعات و تحقیقات خود را تا حد امکان تکمیل نمود و هنگامی به انگلستان برگشت مقدمات تألیف خود را فراهم ساخت تا بعد آنها را به رشته تحریر در آورد. سیریل الگود پس از بازنشسته شدن، به جزیره سیشل، واقع در اقیانوس هند رفت و در همانجا بود که با مطالعه دقیق و طولانی کتاب ها و مدارکی که گرد آورده بود، کتاب «تاریخ پزشکی ایران و طب در دوره صفویه» را به رشته تحریر در آورد. این کتاب، پس از مرگش در سال ۱۳۵۰ ش. / ۱۹۷۱ م. از سوی شماری دوستدارانش در شمارگانی محدود به چاپ رسید.

آثار پژوهشی او شامل چند عنوان کتاب و شماری مقاله است که بر حسب تاریخ انتشار

چنین است:

۱. درباره اهمیت برص و بهق، ۱۹۳۱م.
 ۲. دست‌نوشته‌ای منتسب به رازی، ۱۹۳۲م.
 ۳. پزشکی در ایران، نیویورک، انتشارات هوبر، ۱۹۳۴م.
 ۴. ترجمه انگلیسی رساله‌ای درباره سنگ پادزهر، تألیف مرحوم عمادالدین محمود بن مسعود از پارسی، ۱۹۳۵م.
 ۵. بهاء‌الدوله و ماحصل تجربه‌هایش، ۱۹۳۸م.
 ۶. جندی‌شاپور دانشگاه عهد ساسانیان، ۱۹۳۹م.
 ۷. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ۹۵۱م.
- این کتاب دو بار ترجمه شد. یک نوبت به سال ۱۳۵۲ ش. از سوی محسن جاویدان و مقدمه محمود نجم‌آبادی و دیگر بار به سال ۱۳۵۶ ش. با ترجمه باهر فرقانی و بخش‌هایی از آن توسط عباس اقبال آشتیانی که در مجله یغما (سال چهاردهم، شماره اول، ص ۴۵-۴۲ و ۶۰-۵۵ و ۱۶۳-۱۶۰) چاپ شده است.
۸. علم ایرانی، ویراسته جان آربری، ۱۹۵۳م.
 - این مقاله با ترجمه احمد بیرشک در میراث ایران (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ ش، ص ۴۸۰-۴۷۷) چاپ شده است.
 ۹. طب ایرانی، ۱۹۵۹م.
 ۱۰. علی بن عباس مجوسی، ۱۹۶۰م.
 ۱۱. ترجمه طب النبوی، بر اساس طب النبوی جلال‌الدین سیوطی، اوزیریس ۱۹۶۲م.
 ۱۲. جراحی عصر صفویه، چاپ پرگامون آکسفورد، ۱۹۶۶م.
 ۱۳. بیماری‌های زنان، ۱۹۶۸م.
 ۱۴. پزشکی‌ورزی در صفویه، چاپ لوزاک، ۹۷۰م.
- این اثر با عنوان طب در دوره صفویه از سوی محسن جاویدان به سال ۱۳۵۷ ش. و نقد و بررسی آن در مجله کتاب ماه تاریخ، شماره ۷۱-۷۰ مرداد و شهریور ۱۳۸۲ ش. چاپ شده است. ۱۵
- سیریل الگود، انگیزه‌های خود را پژوهش‌های تاریخ پزشکی ایران یاد کرده است. او پس از یادکرد تاریخ پزشکی دو جلدی «لکلرک» (پاریس، ۱۸۷۶م.)، فهرست عالی منابع «فونان» (لایپزیگ، ۱۹۱۰ میلادی) و نوشته‌های ادوارد براون (کمبریج، ۱۹۲۱م.) که اسناد عمده

تألیف کتاب تاریخ پزشکی ایران است، از «مقدمه‌ای بر تاریخ پزشکی» تألیف گاریسون، «پزشکی عرب» و «پزشکی اسلامی اثر وستنفلد یاد می‌کند (رضوی برقی، نقدی گذرا درباره کتاب «تاریخ پزشکی ایران»، ۱۳۸۴: ۹۷-۶۹).

ب) بررسی تمدن پزشکی مسلمانان و مستشرقان بر اساس منابع تاریخ پزشکی و کتاب‌نگاری

۱. کتاب «نوادر الاطباء و الحكماء» زید حنین بن اسحاق عبادی

گرچه قدیمی‌ترین تألیف منابع تاریخ پزشکی و کتاب‌نگاری در عربی، کتاب «تاریخ الاطباء و الحكماء» از یحیی نحوی است، کتاب «نوادر الاطباء و الحكماء» نوشته حنین بن اسحاق (۲۶۰ق)^[۷] در میان مستشرقان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. ابن سالومو العزیزی این کتاب را به عبری ترجمه کرد و در سال ۱۸۹۶م. در لوبنتال فرانکفورت به چاپ رسید. همچنین ترجمه آلمانی آن در سال ۱۸۹۶م. در برلین به چاپ رسید و ترجمه دیگر آلمانی آن که توسط میرتل صورت پذیرفت، در سال ۱۹۲۱م. در لایپزیگ آلمان منتشر شد (صالح احمد، تاریخ دانشوران و فهرس مصنفات در منابع عربی، مجله تاریخ اسلام، ۱۳۸۰: ش ۶).

۲. کتاب «تاریخ الاطباء» اسحاق بن حنین

اسحاق بن حنین نیز کتاب «تاریخ الاطباء» را نگاشت. حنین به نظر می‌رسد که وی در این کتاب به یحیی نحوی اعتماد کرده و در تراجم اشخاص از مطالب او اخذ نموده است. ابن ندیم در فهرست به این کتاب اشاره کرده است. شاید این همان کتابی است که ابن ابی اصیبه از آن به کتاب «ذکر فیه صناعة الطب و اسماء اصحابه من الحكماء و الاطباء» یاد کرده است. بروکلمان به نظر نسخه‌ای از این کتاب به شماره ۵/۶۵۱ در مونیخ موجود است. از این کتاب نسخه‌ای خطی در کتابخانه حکیم اوغلو به شماره ۹۶۱ موجود است که [فرانتس] روزنتال آن را در مجله Oriens / ۱۹۵۴ به چاپ رساند (صالح احمد، تاریخ دانشوران و فهرس مصنفات در منابع عربی).

۳. کتاب «الفهرست» محمد زکریای رازی

فهرستی که رازی درباره تألیفاتش تهیه و ارایه داده که «ابن ندیم» نیز در «الفهرست» بدان اشاره نموده است. شاید این کتاب، همان مرجع «ابوریحان محمد بن احمد بیرونی» در «فهرست کتب محمد بن زکریا الرازی» بوده است (ر.ک: فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های

کتاب‌های بیرونی، تصحیح و ترجمه و تعلیق از مهدی محقق، تهران، (۱۳۷۱). از آن فهرست، دست‌نوشته‌ای در «لیدن» هلند به شماره ۱۳۳ موجود است که «کراوس» در سال ۱۹۳۶ میلادی منتشر کرد. «نیجری» مسیحی نیز فهرست کتاب‌های رازی را به لاتین برگردان کرده است (ر.ک: برو کلمان، ۱۳۸۴: ۲۷۲/۴ و سزگین، ۱۳۸۰: ۳۷۸/۳).

۴. کتاب «الفهرست» ابوریحان محمد بن احمد بیرونی

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی، کتب و رسالات بسیار که شمار آنها را بیش از ۱۴۶ مورد گزارش کرده‌اند، نوشت که جمع سطور آنها بالغ بر ۱۳ هزار است. بیرونی در رساله‌ای در بیان مؤلفات محمدبن زکریای رازی تألیفات خود را تا سال ۴۲۷ق. شرح داده و تعداد آنها را یکصد و سیزده نسخه شمرده است (ر.ک: آذر شب، ابوریحان بیرونی و آثار او، مجله کیهان فرهنگی، ۱۳۸۵، ش ۲۳۴ و ۲۳۵). کارل ادوارد زاخائو^[۸] در مقدمه‌اش بر کتاب «الآثار الباقیه» آن را فهرست خود نوشت بیرونی را آورده است (ر.ک: فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی).

۵. کتاب «عیون الانباء فی طبقات الاطباء»، احمد بن قاسم ابن ابی اصیبعه

کتاب «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» تألیف ابن ابی اصیبعه، مطول‌ترین و کامل‌ترین تاریخ درباره طب، اطبا و حکمای جهان از دوران قدیم تا قرن هفتم هجری است. وی از الفهرست ابن ندیم و تاریخ الحکمای قفطی و آثار بعضی مورخان دیگر استفاده کامل نموده و در بسیاری موارد به نقل عبارات و نظرات آنان پرداخته و شخصاً نسخ خطی و شرح حال اطبا و حکما و دست خط آنان را دیده است. به طور قطع، عموم مورخان تاریخ طب، چه در شرق و چه در غرب، بهره‌های کامل از این کتاب برده‌اند و بسیاری از آنان ترجمه کتاب یا قسمت‌هایی از آن را عیناً متذکر گردیده‌اند؛ مثلاً قسمت‌های زیادی از کتاب «تاریخ طب» تألیف لوسین لکلر از این کتاب است. مولر در سال ۱۲۹۹ق. در قاهره عیون الانباء را به چاپ رساند. هنری جاهی آن را به فرانسه ترجمه و در سال ۱۹۵۸م. در الجزایر منتشر نمود.

۱۷

خاورشناسان از اواخر قرن نوزدهم به کتاب مذکور توجه کرده‌اند. سانگونیتی در مجله آسیایی در سال ۱۸۵۶م. بخشی از این کتاب را ترجمه کرد. سیریل الگود نویسنده «عیون الانباء» را بزرگ‌ترین مؤلف تاریخ طب اسلامی می‌شمارد.

۶. «ادب الطیب» اسحاق بن علی رهاوی

از دیگر کسانی که به اخبار اطبا توجه کرده، اسحاق بن علی رهاوی است که این‌ابی‌اصیبه از این کتاب او اطلاعات زیادی را نقل نموده است. بیشتر آنچه رهاوی در این کتاب ذکر کرده از عیسی بن ماسویه بوده. وی دارای کتابی به نام «قوی الاغذیه» و «من لایحضره الطیب» بوده است. قفطی نیز متنی از او نقل کرده، بدون آنکه به اسمش تصریح نماید.

از کتاب «ادب الطیب» رهاوی نسخه‌ای در ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه سلیمیه در ادرنه به شماره ۶۹۸ موجود است. ترجمه انگلیسی و چاپ آن را لیفی در سال ۱۹۶۷م. در مطبوعات مذكرات الجمعیه الفلسفیه الآمریکیه به انجام رسانید. وی در همان سال مقاله‌ای درباره آن دست‌نوشته در یکی از شماره‌های مجله الجمعیه الالمانیه للمستشرقین به چاپ رساند (صالح احمد، تاریخ دانشوران و فهرس مصنفات در منابع عربی، ۱۳۸۰: ش ۶).

۷. «اخبار العلماء باخبار الحکماء» جمال الدین ابوالحسن علی بن یوسف قفطی

این کتاب هم اکنون مفقود است، اما محمد بن علی خطیبی زوزنی مختصری از آن را با عنوان «المنتخبات الملتقطات من کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء» مرتب نموده که از این مختصر نیز تعدادی دست‌نوشته باقی ماند و لایبرت در سال ۱۹۰۳م. آن را به همراه مقدمه‌ای به زبان آلمانی و ذکر مخطوطات کتاب و منقولات آن در لایبزیگ به چاپ رسانید (قفطی، تاریخ الحکماء و هو مختصر الزوزنی المسمی بالمنتخبات الملتقطات من کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء، ۱۹۰۳م). کمیت و کیفیت معلوماتی که زوزنی در این مختصر از اصل کتاب حذف کرده بر ما پوشیده است (صالح احمد، تاریخ دانشوران و فهرس مصنفات در منابع عربی، ۱۳۸۰: ش ۶).

۸. کتاب «الفهرست» محمد بن اسحاق ندیم

ابوالفرج محمد بن اسحاق ندیم معروف به ابن ندیم در قرن چهارم می‌زیست. وی کتاب «الفهرست» را در سال ۳۷۷ق. به انجام رسانید و احتمالاً پس از این تاریخ اطلاعاتی بر آن افزوده است. این کتاب جامع‌ترین اثر در حوزه کتاب‌شناسی عمومی در چهار سده نخست هجری است که فهرستی از کلیه کتبی که تا آن زمان به زبان عربی نگاشته شده و شرح حال مؤلفانش را در بردارد.

الفهرست ابن ندیم سه بار به عربی چاپ شد. اولین چاپ آن را فلوگل^[۹] به سال ۱۸۷۲م. در لایپزیگ سامان داد چاپ دوم آن در مصر و چاپ سوم آن در سال ۱۹۷۱م. در بیروت صورت گرفت.

یاردوج این کتاب را به انگلیسی ترجمه کرده و در سال ۱۹۷۵م. در قالب دو جلد منتشر نمود.

پیشنهاد

با توجه به عدم گردآوری منابع پزشکی ترجمه شده توسط مستشرقان، پیشنهاد می‌گردد پژوهشی جامع در این موضوع انجام شود و جدولی مانند جدول ذیل در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	نام مستشرق	زبان	سال تألیف	سال چاپ	منابع
۱	جواهر الطیب المفردة باسمائها و صفاتھا و معادنها	یوحنا بن ماسویه ۲۴۴ق / ۸۵۷م	مارتین لوی	انگلیسی	۱۹۶۱		فهرس المخطوطات الطیبه العربیه فی مکتبه الدكتور سامی ابراهیم حداد ص ۳۱
				فرانسوی	۱۹۶۶	۱۹۶۰	
۲	الارمنه و الامکنه	یوحنا بن ماسویه	پل اسپات	فرانسوی	۱۹۳۳	۱۹۶۰	دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴
۳	المسائل فی الطب	حنین بن اسحاق ۲۶۰ / ۸۷۳م	پل غلیونچی	انگلیسی	۱۹۸۰	۱۹۶۰	فهرس المخطوطات الطیبه العربیه فی مکتبه الدكتور سامی ابراهیم حداد ص ۴۷

«قرآن پژوهی خاورشناسان» سال یازدهم، شماره بیست و یکم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

۲۱

ردیف	نام کتاب	نویسنده	نام مستشرق	زبان	زمان	مکان	منابع
۴	الکناش الفاخر	محمد بن زکریای رازی ۹۲۳ / ۳۱۲ م	د. کونینگ	فرانسوی	۱۹۰۳	لاتین	فهرس المخطوطات الطیبه العربیه فی مکتبه الذکور سامی ابراهیم حداد ص ۴۳:
۵	بره الساعه	محمد بن زکریای رازی ۹۲۳ / ۳۱۲ م	پ. گوینگوس	فرانسوی	۱۹۰۴	تیموت	فهرس المخطوطات الطیبه العربیه فی مکتبه الذکور سامی ابراهیم حداد ص ۴۵:
۶	زاد المسافر و قوت الحاضر	ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن ابی خالد بن الجزار ۹۸۰ - ۹۷۹ / ۳۶۹	کنستانتین	لاتینی	۱۵۱۰	لاتین	فهرس المخطوطات الطیبه العربیه فی مکتبه الذکور سامی ابراهیم حداد ص ۴۶:
					۱۵۳۶	نابل	
					۱۵۵۹	نابل	
۷	الغنی و المنی	حسن بن نوح قمری بعد ۹۹۰ / ۳۸۰		لاتینی			فهرس المخطوطات الطیبه العربیه فی مکتبه الذکور سامی ابراهیم حداد ص ۴۸:
۸	تذکره الکحالیین	شرف الدین علی بن عیسی کحال بعد از ۴۰۰ / ۱۰۱۰	زرارد کرمونایی	لاتینی	وینز	۱۳۹۹	۱. فهرس المخطوطات الطیبه العربیه فی مکتبه الذکور سامی ابراهیم حداد ص ۵۱: ۲. آسمانوس، کتابخانهی شرقی، رم ۱۷۲۱:

ردیف	نام کتاب	نویسنده	نام مستشرق	زبان	زبان	مکان	منابع
			هیرشبرگ؛ لیبرت؛ مینوخ	آلمانی	آلمانی	۱۶۰۴	۳. هیرشبرگ، کتاب راهنمای چشم‌پزشکی عمومی، ۴۱-۴۷/۲؛ ۴. گراف، ادبیات عربی مسیحی، ۱۷۶/۲. ۵. فواد سزگین، تاریخ التراث العربی، فی التدوین التاريخی، تعریب محمود فهیمی حجازی، فواد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۳، ص ۴۷۷. ۶. تاریخ پزشکی ایران، ص ۳۲۴.
		کیسی وود		انگلیسی	انگلیس	۱۸۵۱	
			کارل بروکلیمان				
۹	التلخیص	ابوالولید مروان بن جناح نیمه اول قرن ۱۱/۵ م	اشناین اشنايدر				۱. فواد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۳، ص ۲۸۰-۲. ادبیات عربی یهود ص ۱۲۵-۱۲۲.
۱۰	جراحی	ماسویه اصغر	فراگوت یهودی	عربی			تاریخ پزشکی ایران، ص ۲۳۷.
۱۱	المعده و امراضها و مداواتها	ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن ابی‌خالد جزار= ابن‌جزار ۳۶۹/۹۸۰-۹۷۹	کنستاتین	عربی			۱. دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۲۲۷ ۲. دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۴۶۲. ۳. مطرح‌الانظار، ج ۱، ص ۵۱. ۴. هدیه‌العارفین، ج ۱، ص ۷۰.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	نام مستشرق	زبان	زمان	مکان	منابع
۱۲	تحصیل غرض القاصد فی تفصیل المرض الوافد	ابوجعفر احمد بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن خاتمه ۷۷۰	طه دینانه	فرانسوی			۱. دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۳۹۱ ۲. هدیه العارفين، ج ۱، ص ۱۱۳، ۳. الاعلام، ج ۱، ص ۱۷۶، ۴. معجم العلماء العرب، ج ۱، ص ۲۷
				عربی			
				اسپانیایی	فرناندز مارتینز		
۱۳	الجدری و الحصیه	محمد بن زکریای رازی ۲۵۱-۳۱۳	یوهانس شانتج	عربی	۱۸۵۶	باز	۱. دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۶۷۰ ۲. اکتفاء القنوع بما هو مطبوع، ص ۲۱۶، ۳. الاعلام، ج ۶، ص ۱۳۰، ۴. معجم العلماء العرب، ج ۱، ص ۱۱۷
				عربی	۱۷۶۶		
				انگلیسی	۱۸۵۶	۱۸۳۰	
۱۴	الجنام و اسبابه و علاجه	ابوجعفر احمد بن ابراهيم بن ابی خالد جزار = ابن جزار /۳۶۹ ۹۸۰-۹۷۹	کنستانتین	عربی			۱. دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۲۲۷ ۲. مطرح الاظفار، ج ۱، ص ۵۱، ۳. هدیه العارفين، ج ۱، ص ۷۰، ۴. كشف الظنون، ج ۲، ص ۸۸

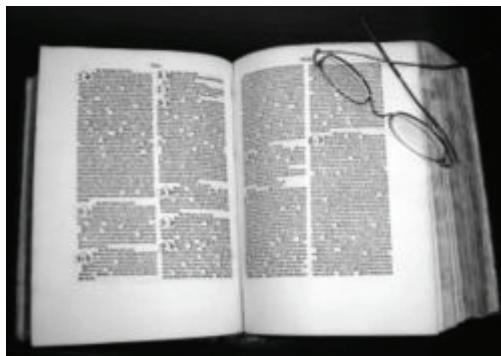
ردیف	نام کتاب	نویسنده	نام مستشرق	زبان	زمان	مکان	منابع
۱۵	دفع مضار الکلیه	ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا ت: ۳۷۰-۴۲۸	آندرا آلیاکو ت: ۱۵۲۱	لاتین		پاریس	دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۴۶
۱۶	الافاده و الاعتبار فی الامور المشاهده و الحوادث المعاینه یارض مصر	ابومحمد عبداللطیف بن یوسف بن محمد بن علی بن اسعد بنفادی ۵۵۷-۶۲۹	سلوستروی ساسی	فرانسوی	۱۸۱۰	پاریس	۱. معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۲۱۸-۲. معجم المطبوعات العربیه و المعریه، ج ۲، ص ۱۲۹۲
۱۷	تراجم الاطباء و الفلاسفه العرب		لیون آفریقی ق. ۸۸۸-۹۵۷	لاتین	۱۶۶۴		الاعلام، ج ۲، ص ۲۱۷
۱۸			انگلیت کمپفر				تاریخ پزشکی ایران، ص ۴۵۷
۱۹	طبقات الاطباء و الحکماء	ابوداود سلیمان بن حسان اندلسی = ابن جلجل تولد: ۳۲۲	خوان ورنٹ	اسپانیایی	۱۶۵۸		دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۴۶
			ادوارد پوکاک	لاتین	۱۶۶۳	۱. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۲۴۳ ۲. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۲۲۵ ۳. الاعلام، ج ۳، ص ۱۳۰ ۴. هدیه العارفین، ج ۱، ص ۳۹۶	
۲۰	مختصرالدول	ابوالفرج بن هارون = ابن عبری	لکلرک	فرانسوی			تاریخ پزشکی ایران، ص ۳۴۸

ردیف	نام کتاب	نویسنده	نام مستشرق	زبان	زمان	مکان	منابع
۲۱	الجامع	ابومحمد ضیاءالدین عبدالله بن احمد مالقی= ابن بیطار ت: ۶۴۶	فُن زنتهایمر	الاسبغی	۱۸۴۳	استانبول	دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۱۴۵.
۲۲	الجامع السکنجین	ابومحمد ضیاءالدین عبدالله بن احمد مالقی= ابن بیطار ت: ۶۴۶ ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا	آندرا آلیاکو ت: حدود ۱۵۲۱ م	عربی			دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۶۶
۲۳	غذاها و مواد ساده	ابوعلی یحیی بن عبیسی بن علی بن جزله بغدادی ت: ۴۷۳ یا ۴۹۳	پل اسپات	فرانسوی	۱۹۳۹		تاریخ پزشکی ایران، ص ۲۵۸
۲۴	مادالشعیر	ابوزکریا یحیی ابن ماسویه خوزی ۱۶۳-۲۴۳	زرارد کرومونایی	عربی	۱۴۱۷	تهران	۱. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۵۶۳. ۲. الاعلام، ج ۸، ص ۲۱۱، ۳. هدیه العارفین، ج ۲، ص ۵۱۵
۲۵	التصرف لمن عجز عن التألیف	ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی ت: ۴۲۷	زرارد کرومونایی	عربی	۱۵۲۹	کتابخانه مجلس	۱. الموسوعه العربیه المیسره، ص ۱۱۵۰. ۲. اکتفا القنوع بما هو مطبوع، ص ۲۲۰. ۳. الاعلام، ج ۲، ص ۳۱۰ ۴. هدیه العارفین، ج ۱، ص ۳۴۸
۲۶	التصرف لمن عجز عن التألیف	ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی ت: ۴۲۷	زرارد کرومونایی	عربی	۱۷۷۸	کتابخانه مجلس	۱. الموسوعه العربیه المیسره، ص ۱۱۵۰. ۲. اکتفا القنوع بما هو مطبوع، ص ۲۲۰. ۳. الاعلام، ج ۲، ص ۳۱۰ ۴. هدیه العارفین، ج ۱، ص ۳۴۸

ج) بررسی تمدن پزشکی مسلمانان و مستشرقان بر اساس کتب معتبر پزشکی^[۱۰]

گرچه کتاب‌های فراوانی در دوران طلایی تمدن اسلامی در حوزه پزشکی وجود داشته، قطعاً کتاب «قانون» ابن سینا نقطه عطفی در پزشکی بوده است و بسیار مورد توجه مستشرقان قرار گرفته است. به همین جهت، در این بخش به بررسی این کتاب در نزد مستشرقان پرداخته می‌شود:

پس از نگارش «قانون» به زبان عربی بسیار فصیح دویست سال بعد به زبان لاتین یعنی زبان علمی متداول اروپای آن زمان ترجمه شد و یگانه مأخذ پزشکی در سراسر اروپای قرون وسطا شد و تا سال ۱۶۵۷م. در دانشگاه‌های «سن لویی» و «مون‌پلیه» تدریس می‌شد.



نسخه‌ای از کتاب قانون ابن سینا به زبان لاتین، چاپ ۱۴۸۴م. در مخزن کتب نفیس

کتابخانه مرکز علوم درمانی دانشگاه تکراس در سن‌آنتونیو

با پیدایش صنعت چاپ، «قانون» از اولین کتاب‌هایی بود که به چاپ رسید. این کتاب نخست در فوریه ۱۴۷۳م. در شهر رم ایتالیا منتشر گردید و پس از دو سال تجدید چاپ شد. سومین چاپ آن نیز پیش از انتشار کتاب کوچک جالینوس صورت گرفت. ترجمه لاتین این کتاب تا سال ۱۵۰۰م. پانزده بار به چاپ رسید، در حالی که کتاب جالینوس فقط دو بار چاپ شد (هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ۱۳۶۱: ۲/۱۸۷).

۲۵ در سال ۱۸۷۴م. در قاهره کتاب «قانون» به زبان عربی به چاپ رسید و از آن پس تمام یا قسمتی از آن به زبان‌های اردو و عبری و حتی از یک ترجمه شد و بالاخره در سال ۱۹۳۰م. دانشمند انگلیسی به نام کامرون گرونر جلد اول «قانون» را به استثنای قسمت تشریح آن به طرز بسیار جالبی به زبان انگلیسی ترجمه کرد که متأسفانه اکنون نسخ دیگری از این ترجمه در دست نمی‌باشد.

در سال ۱۹۵۱م. دکتر سیریل الگود (Cyril Elgood) که مورخی مشهور است و با طب ایران و غرب آشنایی کامل دارد، به ترجمه صحیح و کامل قانون کمر همت بست، ولی پس از چندین سال زحمت در این راه به این نتیجه رسید که ترجمه قانون محال و بی فایده است و دیگران را از مبادرت به چنین کاری منع کرد. بی شک، نوشته‌های ابن سینا طی هزار سال پس از مرگ وی دستخوش تغییرات زیادی شده که در امر ترجمه آن تولید اشکال فراوان نموده است.

اخیراً در شهر کراچی در پاکستان دکتر مظهرشاه پس از چند سال کوشش موفق شده است کتاب اول قانون را با عنوان «القانون فی الطب» در سال ۱۹۶۶م. به زبان انگلیسی ترجمه کند. پیش‌گفتار آن به قلم دکتر کامرون گرونر می‌باشد. در مقدمه نسبتاً مفصل کتاب تاریخچه مختصری از ترجمه‌های مختلف «قانون» طی قرون گذشته و مطالبی درباره اصول فلسفی قانون و مبانی و اصطلاحات طبی قانون یا متد بقراطی ارائه شده است. متأسفانه در انتهای مقدمه کتاب، خود دکتر مظهرشاه عقاید شخصی خود را درباره تدریس علم پزشکی و به طور کلی موقعیت پزشکان در جامعه امروز و به خصوص طب یونانی در مشرق‌زمین در عهد معاصر شرح می‌دهد که ربطی به اصل «القانون فی الطب» ندارد.

ترجمه‌های قانون

کتاب قانون در سده‌های میانه اروپا شناخته‌شده‌ترین کتاب پزشکی به شمار می‌رفت. این کتاب در قرن دوازدهم میلادی همراه با آغاز نهضت ترجمه به زبان‌های لاتین ترجمه شد و تا امروز به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز برگردانده شده است.

متن کامل کتاب قانون پیش از سال ۱۱۸۷م. برای نخستین بار به کوشش ژرارد کرمونایی و به فرمان اسقف اعظم تولدو (طلیطله)، ریموند (درگذشت ۱۱۹۱م.) به لاتین ترجمه شد. این ترجمه اساس چاپ‌های بعدی قانون می‌باشد. البته ژرارد کتاب «الارجوزة فی طب» (چکیده قانون به شعر) را نیز به لاتین ترجمه کرده است.

ترجمه عبری قانون توسط لورکی انجام شد و در سال ۱۴۹۱م. در ناپل ایتالیا به چاپ رسیده است.

قسمت‌های مختلف قانون به زبان‌های مختلف ترجمه و تشریح گردیده است. ترجمه تمام پنج کتاب قانون به زبان روسی به سال ۱۹۶۰م. در شهر تاشکند و ترجمه انگلیسی

کلیات قانون توسط دکتر مظهرشاه در ۴۹۹ صفحه به قطع وزیری به سال ۱۹۶۶م. در کراچی (پاکستان) به چاپ رسیده است. این ترجمه از روی ترجمه اردو می‌باشد و ترجمه کتاب دوم قانون نیز توسط آقای دکتر مظهر شاه در دست اقدام است. از ۱۹۷۳م. در دهلی نو ترجمه قانون به زبان انگلیسی از روی متن عربی چاپ تهران زیر نظر حکیم عبدالحمید از دانشمندان به نام طب قدیم در حال انجام است. کتاب قانون بین سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۴م. به روسی ترجمه شد. کتاب «القانون فی الطب» بوعلی سینا، دانشمند و حکیم هزاره‌ها، برای نخستین بار به صورت کامل به زبان چینی ترجمه و منتشر شد.



چاپ‌های کتاب «قانون»

- در این قسمت تلاش شده فهرست چاپ‌های مرکز کتاب «قانون» ارائه و بررسی شود:
۱. کتاب «قانون» با کتاب «تجات» ابن‌سینا برای اولین بار در شهر رم در دو مجلد به سال ۱۵۹۳ م (۱۰۰۲ق) به چاپ رسید.
 ۲. سال ۱۲۹۰ق. (۱۸۷۳ م) در قاهره.
 ۳. سال ۱۲۹۴ ق. (۱۸۷۷ م) در بولاق (مصر).
 ۴. سال ۱۲۹۶ ق. (۱۸۸۱ م) در تهران.
 ۵. سال ۱۳۰۷ ق. (۱۸۹۰ م) و ۱۳۲۴ ق. (۱۹۰۶ م.) در لکنه‌و.
 ۶. سال ۱۹۰۵ م. (۱۳۲۳ ق) با شرح فارسی آن در لاهور.
 ۷. کتاب چهارم قانون با شرح فارسی در سال‌های ۱۲۷۴ق. (۱۸۷۵ م) و ۱۲۹۶ ق. (۱۸۷۸ م.) و ۱۲۹۸ ق. (۱۸۸۰ م.) در لکنه‌و.

قانون به عنوان متن درسی پزشکی در دانشگاه‌های اروپایی مورد استفاده قرار گرفت و تا سال ۱۶۵۰م. در کنار آثار جالینوس و موندینو در دانشگاه‌های «لیون» و «مون‌پلیه» تدریس شد. ترجمه لاتین قانون در دوران نوزایی (رنسانس) اروپا از ۱۴۷۳-۱۴۸۶م. بارها در ایتالیا به چاپ رسید.

آندرا آلیاکو^[۱۸] شناخته‌شده‌ترین مترجم آثار پزشکی ابن‌سینا در آن دوران است که ترجمه‌های پیشین را نیز بازنگری کرد. آلیاکو برای آنکه بتواند کتاب‌های ابن‌فلسوف ایرانی را به زبان اصلی آنها بخواند، با شوری تمام به یادگیری عربی همت گماشت و به همین نیت آهنگ خاور زمین کرد. او عربی را چنان خوب فراگرفت که توانست به ترجمه پاره‌ای از آثار ابن‌سینا دست بزند. آلیاکو ترجمه‌ای را که پیش از او ژرارد کرمونایی (۱۱۱۴-۱۱۸۷م.) از کتاب قانون ابن‌سینا به زبان لاتین به انجام رسانده بود، به گونه‌ای عالمانه و انتقادی تصحیح کرد و یادداشت‌های فراوانی بر آن افزود. در ۱۵۱۰م. مارینوسانودو، وقایع‌نگار ونیزی، در یکی از یادداشت‌هایش که از دمشق به دوستانش نوشته، از آلیاکو به عنوان کسی که آثار ابن‌سینا را از عربی به لاتین برگردانده، یاد کرده است (Rossi, Quelques contributions à la bibliographie italienne sur Avicenne, 1956: 160). این نشان می‌دهد که آلیاکو ویرایش ترجمه ژرارد کرمونایی را پیش از ۱۵۱۰م. انجام داده است. این نسخه ویرایش‌شده قانون را برادرزاده آلیاکو به ناشری ونیزی سپرد و او آن را دوبار در ۱۵۲۷م. و ۱۵۴۴م. در ونیز به چاپ رساند. این کتاب پس از دو چاپ یادشده، باز در ۱۵۵۵، ۱۵۶۲، ۱۵۶۴، ۱۵۹۵ و ۱۶۰۸م. در ونیز و جاهای دیگر انتشار یافت.

چاپ ۱۵۵۵م. ترجمه قانون که به همت رینیوس صورت پذیرفت، همراه با دو رساله دیگر از ابن‌سینا به نام «فی دفع مضار الکلیه و رساله فی السکنجین» که توسط آندرا آلیاکو ترجمه شده بود، در ونیز انتشار یافت (Rossi, Quelques contributions à la bibliographie italienne sur Avicenne, 1956: 161). این دو رساله اخیر گویا قبلاً در ۱۵۴۷ میلادی جداگانه در ونیز منتشر شده است (مهدوی، فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا، ۱۳۳۳: ۱). آلیاکو پاره‌ای از آثار دیگر ابن‌سینا را که شامل آرای ابن‌اندیشمند بزرگ درباره روح، معاد و نیز طبقه‌بندی علوم است در اثری با عنوان «شرحی کوتاه درباره روح از فیلسوف بسیار سرشناس، ابن‌سینا» از عربی به لاتین برگرداند که در ۱۵۴۶م. در ونیز به چاپ رسید. در

مقدمه این چاپ، پائولو آلیاگو به ترجمه‌های دیگر عمومیش که ظاهراً چندی بعد از میان رفته بود، اشاره کرده است. آلیاگو به هنگام بازگشت از خاورزمین نسخه‌ای از متن عربی شرح حال ابن سینا را که این فیلسوف بر شاگردش ابوعبید جوزجانی (متوفای حدود ۴۳۸ ق. / ۱۰۴۶ م.) خوانده بود، با خود به ایتالیا آورد. همین متن چندی بعد به دست نیکولومسا (۱۵۰۴-۱۵۸۹ م.)، آناتومیست ونیزی و استاد دانشگاه پادوا رسید. وی توانست به کمک مارکوس فادلا از اهالی دمشق که مترجم بازرگانان ونیزی بود، نخست آن را به ایتالیایی و سپس به یونانی درآورد و از این رهگذر شرح زندگی ابن سینا را به غربیان بشناساند.

قانون در قرن دوازدهم میلادی توسط ژرارد کرمونایی به لاتین برگردانیده و پانزده بار تجدید چاپ شد. تا سال ۱۶۵۷ م. در دانشگاه‌های «سن لویی» و «مون‌پلیه» برای آموزش پزشکی تدریس شد. جز قانون ابن سینا، هیچ کتاب پزشکی دیگری برای ششصد سال چنین گسترده در دانشگاه‌ها تدریس نشد. دانش امروز پزشکی پی‌آمد آموزش‌های ابن سیناست. ترجمه قانون مقامی والا در میان کتاب‌های درسی دانشگاه‌های اروپا داشت. در دانشگاه لایپزیگ (Leipzig) و توبینگن (Tubingen) تا سال ۱۴۸۱ م.، در دانشگاه وین تا سال ۱۵۹۲ م.، در دانشگاه فرانکفورت-آن-ادر (Frankfort-an-oder) تا سال ۱۵۹۸ م. و در دانشگاه لوون تا سال ۱۶۵۰ م. تدریس شد.

ترجمه‌های قانون

۱. ترجمه قسمت تشریح الاعضاء از پ. د. کنینگ که مربوط به کلیه و مثانه است.
 ۲. ترجمه فن سوم از کتاب سوم از هیرشبرگ و لیپر. این ترجمه درباره بیماری‌های چشم است که در سال ۱۹۰۲ م. در آلمان منتشر شد.
 ۳. ترجمه کتاب پنجم از زونت هایمر.
 ۴. ترجمه قانون به فارسی از عبدالرحمان شرفکندی.
 ۵. ترجمه بخش تشریح از کوپینگ در سال ۱۹۰۰ م. به زبان فرانسه.
- دانشمندان دیگری چون برنیکف، میخائیلوسکی، اوس پنسکی، گوئرا، مهران و فرژه بلژیکی، کارا دو وو، گواشن و لوی گارده فرانسوی، وینتر و لانداور و ویدمانی آلمانی و نالتیو ایتالیایی پژوهش‌هایی درباره قانون انجام داده‌اند.

اهمیت کتاب قانون

کتاب قانون در غرب به نام «Canon» شهرت دارد. در اهمیت این کتاب همین بس که تنها ۴۰ سال بعد از اختراع صنعت چاپ در اروپا به زیور چاپ آراسته شد و در عصر حاضر نیز به علت جذابیتی که دارد، در سال ۱۹۶۰م. در کراچی به زبان انگلیسی و در ۱۹۶۶م. در تاشکند به زبان روسی چاپ شد. این کتاب در چند سده از سده‌هایی میانی یکی از متون معتبر آموزش پزشکی در دانشکده‌های پزشکی اروپا و تا اواسط قرن ۱۷ در مون‌پلیه فرانسه، لوون بلژیک و بولونیای ایتالیا تدریس می‌شد و این عقیده در غرب رایج بود که یک طبیب خوب باید ابن سینایی (Avicennit) باشد.

پانزده بار تجدید چاپ آن در فاصله کم‌تر از نیم‌قرن، ترجمه آن به زبان‌های عبری، لاتینی، ایتالیایی، انگلیسی، روسی، فارسی و... در شهرهای مختلف جهان از جمله ناپل، رم، ونیز، قاهره، کراچی، لاهور، لکنهو، تهران و ... و نگارش ده‌ها شرح، حاشیه و تلخیص توسط پزشکان مختلف بر این کتاب همه حاکی از جایگاه والای این کتاب می‌باشد.

دیدگاه‌های دانشمندان در مورد بو علی سینا و قانون

- دانتِه ایتالیایی در «کمدی الهی» می‌گوید: «ابن سینا یکی از بزرگ‌ترین متفکران غیرمسیحی است».

- ویلیام هاروی انگلیسی، بنیان‌گذار طب نوین و کاشف گردش خون، در نامه‌یی به دوستش توصیه می‌کند: «به سرچشمه اصلی مراجعه کن و آثار ابن سینا را مطالعه کن».

- ویل دورانت آمریکایی در کتاب «تاریخ تمدن» می‌نویسد: «در مدرسه طب دانشگاه پاریس، دو تصویر رنگی از دو طبیب مسلمان آویخته‌اند که یکی از آنها رازی و دیگری از ابن سیناست. ابو علی حسین بن سینا بزرگ‌ترین فیلسوف و معروف‌ترین طبیب اسلام است».

- گرهارد فنتزمر آلمانی در کتاب «پنج هزال سال پزشکی» می‌نویسد: «ابن سینا موفق شده بود آن‌چه جالینوس نتوانست انجام دهد، به ثمر رساند و سبک صحیحی را در پزشکی ایجاد و برقرار کند».

- دکتر سیریل الگود انگلیسی در کتاب «تاریخ پزشکی ایران» می‌نویسد: «وقتی کتاب قانون ابن سینا در عالم طب شناخته شد، یک‌باره همه کتاب‌های طبی گذشته را تحت الشعاع خود قرار داد».

- هنری زیگریست آمریکایی فرانسوی الاصل، رئیس مؤسسه تحقیق تاریخ پزشکی در دانشگاه جان هاپکینز در کتاب «پزشکان نامی» می‌نویسد: «دانش پزشکی در دست ابن سینا تبدیل به بنایی متحد و هماهنگ و منطقی شد و صورت قواعد ریاضی پیدا کرد. کتاب او چنان که از اسمش برمی‌آید، به واقع، قانون و حتی مذهب دانش پزشکی است».

- ریچارد تولنر آلمانی در کتاب «تاریخ مصور پزشکی جهان»: «قانون ابن سینا دارای ماهیت فرهنگ نام‌هایی است و با دقت به فصل‌ها و بخش‌هایی تقسیم شده است. این اثر به سرعت مقام عمومی و جامع به دست آورد؛ به صورتی که یکی از موارد ثابت برنامه‌های آموزشی اغلب دانشکده‌های مغرب‌زمین تا قرن هفدهم گردید».

- شارل سورینای فرانسوی در کتاب «تاریخ پزشکی» می‌نویسد: «هیچ یک از علوم زمان با ابن سینا بیگانه نبود».

- ادوارد براون انگلیسی طبیب و مستشرق مشهور، در کتاب «تاریخ طب عرب» می‌نویسد: «کتاب قانون ابن سینا در میان آثار طبی عالم اسلام دارای مقامی منحصر به فرد و ممتاز است. چنان که اثر رازی و اهوازی، با آنکه واجد شرایط تردیدناپذیری هستند، در قبال این کتاب عملاً منسوخ شده‌اند». وی سپس به نقل از چهار مقاله نظامی عروضی می‌نویسد: «اگر بقراط و جالینوس زنده شوند، روا بود که پیش این کتاب سجده کنند».

نتیجه

آن چه در این نوشتار ارائه شد، نمونه بسیار اندکی از گستره مطالعات تمدن پزشکی مسلمانان و مستشرقان را آشکار می‌سازد و به نوبه خود ضرورت پژوهش جامع را به تصویر می‌کشد. از سوی دیگر، متأسفانه باید اعتراف نمود بسیاری از کتاب‌های طبی برای اولین بار توسط مستشرقان چاپ شده است. آنان در جست‌وجوی نسخه‌های خطی کتاب‌های طبی در کشورهای مختلف جهان اسلام به دنبال یافتن کتاب‌های طبی بودند تا آنها را به ظاهر مورد تحقیق قرار داده و پس از تحقیق جهت‌دار خویش، آنها را احیا و منتشر نمایند؛ لذا بسیاری از مقدماتی که آنان به عنوان دیباچه یا معرفی اثر در ابتدای این کتاب‌ها آورده‌اند، خوانندگان را به سوی اهداف از پیش تعیین شده آنان سوق می‌دهد. می‌توان گفت انگیزه دانشمندان غربی به ویژه مستشرقان آنان در موضوعات طبی به ظاهر یک نوع تلاش علمی است، اما آنان با دل‌سوزی و از روی انگیزه الهی به دنبال احیای تراث اسلامی در بخش علوم طبی نیستند، بلکه با جهت‌گیری خاص به سوی احیای این کتاب‌ها گام برداشته‌اند که چه بسا دستیابی به سیطره علمی در عرصه پزشکی باشد.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] ابوالحسن، مختار بن حسن بن عبدون بن سعدون بن بطلان، مشهور به «ابن بطلان» یا «ابن عبدون» از اطباء مسیحی بغداد در قرن پنجم هجری بود. وی مدتی نزد ابوالفرج عبدالله بن طیب بغدادی طب و فلسفه خواند و بزرگ‌ترین شاگرد او بود. ابن بطلان مدتی نیز ملازمت ابوالحسن ثابت بن ابراهیم بن زهرون طیب را داشت و از وی در پزشکی بهره گرفت و از دیگر استادان بغداد هم دانش آموخت. وی از راه پزشکی روزگار می‌گذرانید.
- [۲] مدرسه طب سالرنو (Salerno) بزرگ‌ترین مرکز درمانی و پزشکی اروپای غربی در آن زمان به شمار می‌رفت. پس از آن، مدارس پزشکی دیگری نیز در مون پلیمه (Mont Polier) و شارتر (Chartres) تأسیس شد؛ از این رو، کتاب‌های طب، اولین آثار عربی بودند که در مدرسه سالرنو ترجمه شدند و تأثیر به‌سزایی در شکوفایی علوم پزشکی در این مرکز داشتند (ر.ک: آلدو میه لی، علوم اسلامی و نقش آن در تحول جهان، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و اسدالله علوی، ۱۳۷۲).
- [۳] در مورد شرح زندگی کنستانتین یا قسطنطین آفریقایی (ر.ک: لیندبرگ، دیویدسی، سرآغازهای علم در غرب، ترجمه فریدون بدره‌ای، ۱۳۷۷: ۳۰۲-۲۹۷).
- [۴] علی بن عباس مجوسی یکی از بزرگ‌ترین طبیبان مسلمان بود. وی ایرانی و از منطقه اهواز بود که در سال ۹۹۴م. درگذشت. اروپاییان او را به نام هالی عباس (Haly Abbas) می‌شناسند. وی کتاب مشهور خود به نام «کامل الصناعة الطبیه» را برای ملک عضدالدوله بن رکن‌الدوله آل بویه (۹۸۳ - ۹۴۹م) تألیف کرد. این کتاب دو فصل و هر فصل مشتمل بر ۱۰ مقاله است. فصل اول آن به دانش نظری پزشکی و فصل دیگر بر جنبه‌های عملی پزشکی نظیر اعمال جراحی پرداخته است. این کتاب هر آنچه متعلم طبابت نیاز دارد، شامل می‌شود. نویسنده در این کتاب تمام اطلاعات پزشکی موجود تا زمان خود، یعنی قرن دهم میلادی را با نظم و ترتیب منطقی خلاصه کرده است. علاوه بر این، دقت و تخصص پزشکی مؤلف نیز بر ارزش کتاب افزوده است (ر.ک: ابن اُبی أصیبعه، عیون الأنباء، ۱۸۸۲: ۳۲۰-۳۱۹؛ ادوارد براون، الطب العربی، بی‌تا: ۵۷-۵۶؛ Mackinney, Medieval Illustrations in Medieval manuscripts, p 177).

[۵] برخی معتقدند پس از وی، ژرارد کرمونایی دیگری به ترجمه کارهای پزشکی عربی به لاتین پرداخت. ترجمه الحاوی رازی از کارهای او است. شباهت نام این دو نفر که هر دو به ژرارد کرمونایی معروفند گاه باعث سردرگمی نویسندگان شده است.

[۶] ژوزف فرانتس ساخت (۱۹۶۹-۱۹۰۲م) (Joseph Franz Schacht): استاد آلمانی - انگلیسی پژوهش‌های اسلامی دانشگاه کلمبیا در نیویورک بود، او زبان‌های سامی، یونانی و لاتین را به خوبی فرا گرفت. کتاب او، «فقه اسلامی» (Muhammadan Jurisprudence) که در ۱۹۵۰م. منتشر شد کانون توجه پژوهشگران غربی بر این موضوع است. او نویسنده مدخل‌های متفاوت در دانشنامه اسلام بود؛ همچنین او ویراستار کتاب میراث اسلام The Legacy of Islam) بود که توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر شد.

[۷] زید حنین بن اسحاق عبادی از مترجمان معروف و چیره‌دست دوره اسلامی است که به زبان‌های یونانی، سریانی و عربی مسلط بود و کتاب‌های فراوانی را به زبان عربی ترجمه کرد. او در سال ۱۹۴ق. در حیره از بلاد عراق تولد یافت و در سال ۲۶۰ق. به گفته ابن ندیم در الفهرست و ۲۶۴ق. به گفته ابن ابی‌اصیبعه در عیون‌الانباء از دنیا رفت. شرح حالی از او به وسیله ابن ندیم در الفهرست و قفطی در اخبارالحکماء و ابن‌ابی‌اصیبعه در عیون‌الانباء و ابن‌جلجل در طبقات الحکماء آمده است.

[۸] ادوارد زاخائو (۱۹۳۰-۱۸۴۵م): خاورشناس آلمانی و استاد دانشگاه‌های وین و برلین بود. زاخائو توجه ویژه به زبان سریانی و دیگر گویش‌های آرامی داشت. او در زمینه ابوریحان بیرونی کارشناس برجسته‌ای بود، در ۱۹۲۳م. ترجمه آثارالباقیه به همراه شرح‌حال جامعی از بیرونی را در لایپزیگ منتشر کرد.

[۹] گوستاو لبرشت فلوگل (۱۸۰۲-۱۸۷۰م) خاورشناس آلمانی: او الهیات و فلسفه را در دانشگاه لایپزیگ تحصیل کرد. سپس تحصیلات خود را در زبان‌های شرقی در وین و پاریس به اتمام رساند. در سال ۱۸۳۲م. او به استادی زبان‌های شرقی در مؤسسه «سنت آفر» واقع در شهر «مایسن» منصوب گردید و در سال ۱۸۵۰م. استعفا کرد. یک سال بعد به وین پایتخت اتریش مهاجرت کرد و به امر فهرست‌برداری از نسخ خطی عربی، ترکی و فارسی مشغول شد. کتاب کشف الظنون حاجی خلیفه را نیز در لندن و به سال ۱۸۳۵م به چاپ رسانید (بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ۱۳۷۵: ۲۶۱-۲۵۷).

[۱۰] صالح احمد، تاریخ دانشوران و فهارس مصنفات در منابع عربی

[۱۱] آلیاگو، آندرا (متوفای حدود ۱۵۲۱م.)، پزشک و دانشمند ایتالیایی و یکی از نخستین

مترجمان آثار ابن‌سینا به زبان لاتین.

منابع

۱. ابن ابی اصیبعه، احمد، عیون الانباء، به کوشش آوگوست مولر، قاهره: ۱۸۸۲م، چاپ امرؤالقیس بن طحان (آوگوست مولر)، کونیگسبرگ و قاهره: ۱۸۸۲م، چاپ افست انگلستان ۱۹۷۲م.
۲. ابن قره، ثابت، الذخیره، به کوشش ماکس میرهوف، قاهره: ۱۹۲۸م.
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، به کوشش فلوگل، بیروت: ۱۹۶۴م.
۴. ابوسعید بن بختیشوع، عبیدالله، رساله فی الطب و الاحداث النفسانیه، به کوشش فلیکس کلاین فرانکه، بیروت: دارالمشرق. بی تا.
۵. آذر شب، فرشته، ابوریحان بیرونی و آثار او، مجله «کیهان فرهنگی»، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۲۳۴ و ۲۳۵.
۶. آلدومیه لی، علوم اسلامی و نقش آن در تحولات علمی جهان، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۷. بدوی، عبدالرحمن، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۸. براون، ادوارد، تاریخ طب اسلامی، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ش.
۹. بروکلیمان، کارل، تاریخ ادبیات عربی، ترجمه فهی حجازی، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۴ش.
۱۰. بیرونی، ابوریحان، فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی، تصحیح و ترجمه و تعلیق مهدی محقق، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۱. رضوی برقی، حسین، نقدی گذرا درباره کتاب تاریخ پزشکی ایران، مجله «نامه تاریخ پژوهان»، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۲.

۱۲. سارتن، جورج، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
۱۳. سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش‌های عربی، ترجمه، تدوین و آماده‌سازی موسسه نشر فهرستگان به اهتمام خانه کتاب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.
۱۴. صالح احمد، علی، تاریخ دانشوران و فهارس مصنفات در منابع عربی، ترجمه حسین علینقیان، مجله «تاریخ اسلام»، ۱۳۸۰، شماره ۶.
۱۵. قرطبی، ابوعمران موسی بن عبیدالله، شرح اسماء العقار، مصحح ماکس مایرهورف. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل: دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۶ش.
۱۶. قفطی، علی بن یوسف، تاریخ الحکماء و هو مختصر الزوزنی المسمی بالمنتخبات الملتقطات من کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء، چاپ یولیوس لیبرت، لایپزیک ۱۹۰۳ م.
۱۷. الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه باهر فرقانی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶ش.
۱۸. الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران، ترجمه محسن جاوید، تهران: اقبال، ۱۳۵۲ش.
۱۹. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: سازمان انتشارات کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۰. لیندبرگ، دیویدسی، سرآغازهای علم در غرب، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ش.
۲۱. مهدوی، یحیی، فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ش.
۲۲. موسوی بجنوردی، محمدکاظم، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی.
۲۳. نجم‌آبادی، محمود، ابن‌سینا، مردی برتر از عصر خویش- قانون کتاب بزرگ طبی ۳۵ شیخ، دوره ۱۱، ش ۱۳۱، شهریور ۱۳۵۲ش.
۲۴. هونکه، زیگارد، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ش.

25. Bankipore; Browne, E.G., Arabian Medicine, Cambridge, 1962.
26. Elgood, C., A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate, Cambridge, 1951.
27. GAL,S; GAS; Klein-Franke, F., Vorlesungen über die Medizin im Islam, Wiesbaden, 1982.
28. Leclerc, L., Histoire de la médecine arabe, Paris, 1876.
29. M. Meyerhof (ed.). The Book of the Ten Treatises on the Eye ascribed to Hunayn ibn Ishaq. Cairo, 1928.
30. Mackinney, Medieval Illustrations in Medieval manuscripts.
31. Meyerhof, M., »Mediaeval Jewish Physician in the Near East from Arabic Sources«, ISIS, London, 1938, vol. XXVIII.
32. Pertsch, W., Die Handschriften, Verzeichnisse der königlichen Bibliothek zu Berlin, 1888.
33. Rossi, Ettore, "Quelques contributions à la bibliographie italienne sur Avicenne". Le Liure du Millenaire d'Avicenne, Tehran, Société Iranienne Pour la Conservation des Monuments Nationaux, 1956, 4/160-163.
34. Sarton, G., Introduction to the History of Science, Baltimore, 1931.
35. Ullmann, M., Die Medizin im Islam, Leiden, 1970.
36. Vajda, G., Index Général des manuscrits arabes Musulmans de la Bibliothèque nationale de Paris, Paris, 1953.
37. Wüstenfeld, F., Geschichte der arabischen Ärzte und Naturforscher, New York, 1978.